

قلعه های حشائین

بهروز نوروززاده چگینی

مینیاتوری از کتاب «شاہنامه چنگیزی» نسخه مدرسه سپهسالار هولاکو خان، «قلعه میمون دز» را تصوف می‌کند و خود شاه برای زنگهار خواستن از قلعه بیرون آمده است

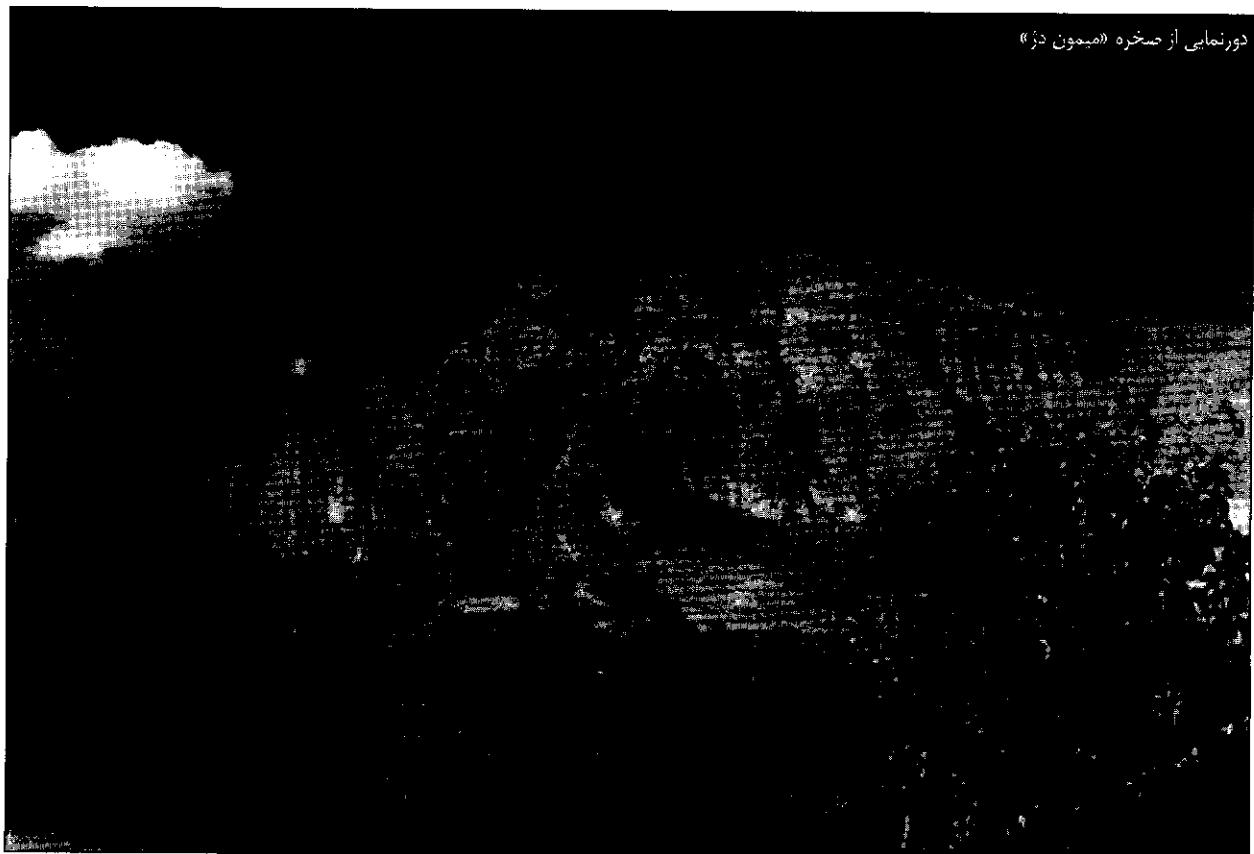
مقدمه:

توجه به جغرافیای تاریخی را می‌توان از عوامل مهم در روشن شدن نکات پوشیده در تاریخ هرسزمنی دانست و در این راستا از ورای آن می‌توان به بسیاری از نکات تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که امکان مکتوب شدن آنها در گذر زمان و بحبوه تاریخ نبوده است، دست یافت. نکاتی که با پیوستگی آنها می‌توان رازهای پوشیده در حیات هر قوم و ملت را آشکار کرد و البته این مهم میسر نیست مگر با تحقیقات علمی و دقیق توسط پژوهشگران متخصص و متعدد.

از تأثیرگذارترین نهضت‌های سیاسی اجتماعی در حیات تاریخی سرزمین ایران و نیز ممالک اسلامی می‌توان از نهضت انقلابی شیعی اسماععیلیه (۶۵۴-۴۸۳ هجری قمری) نام برد. در زمینه تاریخ شکل‌گیری و تداوم این نهضت کتاب‌های زیادی در طول سده گذشته به رشته تحریر درآمده است. ولی در مورد جغرافیای تاریخی این نهضت و مناطق و قلعه‌های آنان در طول ۱۷۰ سال و اندی که بر مسند قدرت بوده‌اند هیچ‌گونه تحقیق مفصل و مبسوطی انجام نشده است، به جز تک نگاشت‌هایی که یا به صورتی کلی این مهم را مدنظر قرار داده‌اند یا اینکه به مناطقی خاص اشاره کرده‌اند که از این نوشته‌ها کتاب‌های مانند: الموت و لمبیس نوشته ولادیمیر ایوانف، سفرنامه الموت نوشته خانم فربا استاری؛ قلاع اسماععیلیه در رشته کوه‌های البرز نوشته منوچهر ستوده؛ سرزمین قزوین نوشته پرویز ورجاوند و برخی مقالات منتشره توسط محققان داخلی و خارجی را می‌توان نام برد.

از جمله کتاب‌های نوشته شده در زمینه جغرافیای تاریخی مربوط به سرزمین‌های تحت نفوذ اسماععیلیه کتاب قلاع حشائین^۱ نوشته پیتر





شمس کلایه با توجه به مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی، محل را همان محل قلعه میمون دز می‌پندارد. ویلی در این سفر به بررسی دره قلعه الموت در ده گازرخان نیز می‌پردازد. وی پس از بازگشت به انگلستان نتایج کار خود را به موزه بریتانیا و دکتر اشترن ارائه می‌دهد که آن‌ها نیز فرضیه او را مورد تأیید قرار می‌دهند.

فصل دوم: شرح اهداف سفر و تهیه مقدمات سفر از انگلستان و تشكیل هیات‌های مختلف پژوهشکی، باستان‌شناسی، نقشه‌برداری و فراهم کردن تجهیزات مربوطه.

فصل سوم: اعزام گروه پیشاہنگ و شروع سفر و ورود به تهران و دیدارهایی با مقامات ایرانی و اخبار سفر.

فصل چهارم: این فصل به بررسی قلعه تاریخی شمیران (سمیران) و مناطق اطراف آن از جمله قلعه گبری‌ها، حمام‌های اسلامی، برج‌های غرب و جنوب غربی، مغار سمیران، مسجد، قبرستان شرقی قلعه و نیز ارائه برخی بررسی‌ها چون مقاله ولادیمیر مینورسکی درباره شمیران و سازمان حشائیش اثر مارشال هاجسن می‌پردازد.

فصل پنجم: حرکت ویلی و گروه همراه از جاده قزوین به سمت قلعه سمیران یا دز تاچ طارم، بحث در مورد سد تازه ساخته شده منجیل توسط شرکت فرانسوی ساسر و تأثیر آن در منطقه تاریخی سمیران، همراهی ابوالفضل آل بویه با گروه ویلی و راهنمایی‌های او درباره شهر و قلعه

«پیتر ویلی» مندرجات «جوینی» در «تاریخ جهانگشای» را اساس اثبات نظریه خود قرار داده است. همچون محیط اطراف قلعه برای سپاه عظیم هولاکو که گویا حدود صدهزار نفر بوده است. وجود قلعه روی قله‌ای رفیع و بلند، ساخت برج و بارو از سنگ و گچ، برج عظیم مرکزی در قلعه، وجود یک چشمۀ در یک فرسنگی برای آوردن آب به قلعه و سه چشمۀ دیگر در پیرامون محوطه صخره، وجود یک قله آتش‌نشانی، وجود شهرک کفر در کنار قلعه (منظور، معلم کلایه)

یادداشت‌برداری و کسب اطلاعات از ساکنین هر محل. کتاب در چهارده فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

فصل اول: در این فصل که به سفر اول در سال ۱۹۵۹ میلادی ۱۳۴۸ شمسی مربوط است، نویسنده ضمن ذکر اهداف سفر و پیدا کردن صخره

ویلی، محقق انگلیسی است. این کتاب حاصل سه سفر اکتشافی ویلی و گروهش، طی سالهای ۱۹۵۹-۱۹۶۱ میلادی ۱۳۴۰-۱۳۴۸ شمسی به مناطق گیلان، دیلمان، اشکور، دره‌الموت و روبار است که پایگاه مرکزی نهضت اسماعیلیه در شمال ایران محسوب می‌شده است.

نوشته زیر بررسی مختصری است درباره این کتاب با توجه به متن و با نگاهی به برخی از مأخذ مربوط به متن.

انگیزه سفر اکتشافی:

با توجه به متن کتاب حاضر، مهمترین دلایل سفر را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

۱. پیدا کردن محل واقعی قلعه موسوم به میمون دز که به سال ۶۵۴ هجری / ۱۲۵۲ میلادی در حمله هولاکو خان مغول به ایران، تصرف و ویران شد و با سقوط این قلعه و تسليم تدريجي سایر قلاع، فرقه اسماعیلیه پس از ۱۷۰ سال از صحنه تاریخ ایران محو شد.

۲. بررسی سراسری قلعه‌های اسماعیلیه در مناطق گیلان، دیلمان، اشکور، دره‌الموت و روبار و تهیی نقوش‌های زمینی توپوگرافی قلاع اسماعیلیه، همراه با گرفتن تصاویر و فیلم از این مناطق و حفاری در مناطق مورد بازدید برای یافتن ظروف سفالی و دیگر اشیاء، در این محل‌ها.

۳. مطالعه روش‌های اقتصادی، کشاورزی و روش زندگی، پژوهشکی و نحوه زندگی مردم در مptomot ضمن تهیی تصاویر و گرفتن فیلم و

سمیران، پیشینه دیدارهای قبلی از محل سمیران توسط افرادی چون سر هنری راولینسون در ۱۸۳۸ و ژولیوس سزار هانسه، پژشک آلمانی در ۱۸۵۹، توصیف شهر و قلعه قدیمی سمیران واقع در ناحیه کوهستانی طارم در قلعه قزل اوزن که بر روی چند تپه بلند ساخته شده است. پیشینه تاریخی قلعه کاشانه، قلعه گیری، سوراه (سایرده - سویرده)، ورود به دره الموت از راه ده سفیدآب و دیدار از وشه و قلعه وشه و ده دیکین است.

فصل هشتم: این فصل را می‌توان مهمترین فصل کتاب دانست. عبور از نمس، شمس کلایه، قلعه نویز شاه و رسیدن به معلم کلایه و صخره میمون دز. ویلی در ابتدا با توجه به مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی و وصف قلعه از نظر او، دلایل اثبات نظریه خود را مبنی بر اینکه این محل همان قلعه میمون دز است، همچون محیط اطراف قلعه برای سپاه عظیم هولاکو که گویا حدود صدهزار نفر بوده است، وجود قلعه روی قله‌ای رفیع و بلند ساخت برج و بارو از سنگ و گچ، برج عظیم مرکزی گورستان سمت شرقی قلعه و مناره سمیران، تصاویر ضمیمه شامل: منظره هوابی قلعه و شالوده آن، آرامگاه شرقی سمیران، آرامگاه بزرگ سمیران و تکیه گچبری آن، نقشه سمیران و راههای مال رو و جاده آن.

ویژگی دیگر کتاب،
بررسی زندگی مردم دره الموت و
روdbار از جنبه‌های مختلفی
همچون کار و کسب اهالی،
جنبه‌های اقتصادی زندگی،
کشاورزی و دامداری،
محصولات و گیاهان، آداب و
رسوم اهالی همچون ازدواج،
عقاید دینی، لباس پوشیدن،
آداب معاشرت و
برخورد اهالی با بیگانگان است



بررسی قلعه الموت در گازرخان از دیگر مطالب این فصل است.

فصل نهم: در این فصل نحوه برپایی اردوگاه اصلی در شمس کلایه و برنامه کاری هیأت برای محل خواب و تجهیزات، برنامه کار و تهیه غذا و امور بهداشتی و نیز انجام کارهای بهداشتی برای روستاییان آورده شده است.

فصل دهم: شرح سفر هیأت به سوی الموت از طریق اندج و دیدار از قلعه اندج و غارهای نزدیک ده اندج، عبور از ده خشکه چال و دیدار از مقبره موجود در آن که به قول اهالی مقبره حسن صباح بوده است و لوحه‌ای که ۱۵۰ سال قبل در آنجا کشف شده است وصف زندگی مردم دره الموت، جمع‌آوری مالیات، محصولات، غذای اهالی، گیاهان، ازدواج و غیره و در نهایت بررسی قلعه الموت از دیگر مطالب این بخش است.

فصل یازدهم: این فصل با ذکر افسانه‌های مربوط به مرگ حسن صباح و نیز آمدن عمر خیام شاعر به قلعه و روابط او با حسن صباح آغاز می‌شود و در آدامه شرح حرکت گروه از طریق مسیر گرماده، زوارک، کوه خاک کافران (ضمن اشاره به حفاری قبور زردشته در قله کوه)، و بررسی قلعه نویز شاه روی قله انارک دنگار و فرض این قلعه به عنوان قلعه میمون دز با توجه به اشارات جوینی در تاریخ جهانگشای را با ذکر دلایل متنقی می‌داند. بررسی دیگر مربوط به قلعه ایلان است که ویلی ضمن اظهار به بازدید خانم فریا استارک از این قلعه، به توصیف قلعه، غارهای موجود در ایلان و سیستم آبرسانی قلعه می‌پردازد. مطالب انتهایی این بخش عبور از کوشک دشت و خرابه‌های موسوم به بازار، وصف شهرک و قلعه موجود در آن است. ویلی در این فصل به دیدار خود با کربلایی عزیز و ضایی گورمودی، راهنمای فریا استارک در سفر به الموت نیز اشاره می‌کند.

فصل دوازدهم: حرکت گروه به سمت شیرکوه و عبور از بخشش (با دشت)، ده قره (قره در) و بررسی قلعه اصلی شیرکوه و دو قلعه برج و برجک و نیز توضیحاتی درباره مراغی‌های ساکن روستای قره در، و ورود به روdbار و عبور از ده کرجمال (کارنده چال)، شهرستان بالا، حرکت از شاخه نینه رود به طرف ده منصور باغ و دیدار از قلعه لمسر و اشاره به تونلی ۵۶۰ متری در داخل کوه در نمس موسوم به کانال بزرگ آمید.

فصل چهاردهم: این فصل نوشه ریچارد مورا دونت از اعضا هیأت ویلی و درباره منطقه دیلمان است که در آن مطالب مهمی درباره حفاری‌های غیرمجاز در دیلمان و شیوع تب حفاری توسعه مردم و مالکان محلی کوچک و بزرگ و مبارزه ماموران دولتی و پلیس با آنها آورده شده است. از جمله مناطق مورد بازدید هیأت: سیاهه چال، دلار چند،

قلعه طولا در مشرق پلورود را می‌توان ذکر کرد.

فصل هفتم: بازدید و بررسی مناطق کاراوه شویله، دره پلورود و قبور باستانی، ارکم، یاسور، سنتگرسود، پراندون، لوسان، داغان، بلترک، لیاسی و قبور گبرها، قلعه کونتی، شهرک لوسان و حمام تاریخی، قلعه کاشانه، قلعه گیری، سوراه (سایرده - سویرده)، ورود به دره الموت از راه ده سفیدآب و دیدار از وشه و قلعه وشه و ده دیکین است.

فصل هشتم: این فصل را می‌توان مهمترین فصل کتاب دانست. عبور از نمس، شمس کلایه، قلعه نویز شاه و رسیدن به معلم کلایه و صخره میمون دز. ویلی در ابتدا با توجه به مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی و وصف قلعه از نظر او، دلایل اثبات نظریه خود را مبنی بر اینکه این محل همان قلعه میمون دز است، همچون محیط اطراف قلعه برای سپاه عظیم هولاکو که گویا حدود صدهزار نفر بوده است، وجود قلعه روی قله‌ای رفیع و بلند ساخت برج و بارو از سنگ و گچ، برج عظیم مرکزی گورستان سمت شرقی قلعه و مناره سمیران،

فصل ششم: سفر به منطقه اشکور از طریق رودرس و بررسی درباره مناطقی چون: قلعه چال، پل، تپه‌های دیارزان و قبرستان زردشیان، ده روdbارک، دارود، زیاز (عزیز)، چکه رو و پل رو و گل خانی، قلعه لیما، برج کوه، سه پل، پرمکوه و قلعه پرمکوه، قلعه طولا، تپه‌های شویله، کاشان (کچان)، کل کاچموس، مقبره حمدآباد، مقبره آستانه سوری، لسبو و قلعه و آب انبار آن، کشکه در، بلکوت، شویله، کرکرود و املش می‌پردازد. از مطالب مهم این بخش ذکر حفاری‌های دیارزان در ۱۹۵۸ و ۱۹۶۱ کشف مجسمه دیارزان، کنترل بی‌پایه و سست وزارت فرهنگ روی آثار بازمانده هنری، انتخابات ایران؟ نحوه رأی گیری در ایران، حفاری‌های اطراف

الف: شناسانی جامع مجموعه غارهای تاریخی
شمس کلایه که پیش از این تنها به اسم آن اشاره
شده بود و شاید هم محدودی افراد محلی موفق به
ورود به این غارها شده بودند. علاوه بر این، مشاهده
برخی از قلعه‌های مریبوط به دوره اسماعیلیه و ارائه
اطلاعاتی درباره آنها که برای اولین بار صورت
گرفته است، از نظر تاریخی محض و از نظر اینکه
طی چهل سالی که از سفر این هیأت می‌گذرد.
هیچ گونه مشاهده و تحقیق علمی درباره برخی از
مشاهدهات این گروه انجام نشده، حائز اهمیت بسیار
است. از این موارد می‌توان مطالب مریبوط به حفاری
در شویله و لوتوسان در اشکوره، بازدید و وصف قلعه
و غارهای اندج، دیدار از قلعه موسوم به نویز شاه در
ارتفاعات گرمارود، دیدار از قلعه‌های اندج، ایلان،
گرم رود و شیرکوه و برخی از مناطق دیلمان را نام
برد.

ب: ویژگی دیگر کتاب، بررسی زندگی مردم دره الموت و روبدار از جنبه‌های مختلفی همچون کار و کسب اهالی، جنبه‌های اقتصادی زندگی، کشاورزی و دامداری، محصولات و گیاهان، آداب و رسوم اهالی همچون ازدواج، عقاید دینی، لباس پوشیدن، آداب معاشرت و برخورد اهالی با بیگانگان است.

ج: ارائه طرح‌ها و نقشه‌های مربوط به منطقه قلعه‌های سمنیران، قلعه لسر، قلعه الموت، قلعه میمون در (شمس کلایه) دره الموت رود، منطقه دارود، و غیره که مزیتی مهم برای این کتاب است. با این همه برخی ملاحظات را نمی‌توان نگفته گذاشت:

الف: هدف اصلی هیأت اکتشافی:
هرچند اهداف سفر هیأت در کتاب شرح داده شده است و شاید هدف اصلی را با توجه به متن بتوان کشف محل قلعه میمون دز، مقر آخرين حکمران فرقه اسماعیلیه دانسته هدفی که حتی پس از گذشت چهل سال هنوز باعث آن نشیده است که یک هیأت ایرانی اقدام به انجام آن کند (منهای گروه شیخی) در سال ۱۳۶۳ که آن هم سوای چند صفحه مطلب جدید کاری از پیش نبرده و پس از ۱۷ سال گزارش کاری خود را منتشر نکرده است (ولی با توجه به انگیزه‌های پنهانی این سفر که شاید حفای، در مناطق مورد بازدید به جهت کشف آثار

باستانی با ارزش و خروج آنها از کشور بوده باشد
(همچون گنجینه الموت) بتوان انگیزه اصلی این سفر را دریافت. در مقدمه مؤلف بر کتاب،^{۲۰} می‌توان نام افرادی از موزه بریتانیا (که مخزن آثار عتیقه کشف شده از تمدن‌های کهن یونان و روم و مصر و ایران...) است) و نام مقامات عالی رتبه حکومتی در ایران همچون وزیر دربار (حسین علاء) وزاری فرهنگ بهداری، جنگه سازمان امنیت و شورای عالی پاسخگویی ایران و شورای موزه ایران

مکشوفه در اشکور همراه با برخی طرح‌ها در مورد سفال‌های پیدا شده فراهم آمده است.

د: توضیحاتی درباره شمس کلایه به قلم

چنگیز شیخلی، وی همراه دروغی در سال ۱۱۷۱ از محوطه درونی غارهای شمس کلاهه و برجی از مناطقی که گروه ویلی موفق به دیدار آنها نشده‌اند بازدید کرده است و درباره محوطه‌های مختلف این غارها همچون اسب طولیه، آب انبار، گزنه سوراخ - کوه قلعه غار قبile لوکا - غار گرم لوکا و غیره مطالعی جدید ارائه می‌دهد.

卷之三

ویریہدی مس:

کار هیات اکتشافی ویلی را می توان در وجهی خاص، از لحاظ کندوگاو در مسایل جغرافیایی

پلورود، بوبه، مربو، دهی نزدیک چکه رود و پیرکوه است و توضیحاتی درباره حفاری هیأت در مناطق سیاه چال و بوبه و مربو آورده شده است. کتاب در انتهای شامل چند پیوست به شرح ذیل است:

الف: «حسن صباح و اسماعيليان نزاری» که در رابطه با زمینه‌های مذهبی دعوت اسماعیلیه نوشته شده است.

ب، بعضی از ملاحظات جغرافیایی دره الموت رود در ناحیه سلسله جبال البرز نوشته کولین و لک که از اعضاً هیأت اکتشافی ویلی بوده است و در این بخش از ابعاد مختلف زمین‌شناسی منطقه، آب و هوا و تجهیلات زمین و طبقات آن و زندگانیات

درو نهایه از صخره «میمون دز»



تاریخی دره‌الموت و روبار در مناطق پیرامون آن اثری ارزشمند تلقی کرد. این اثر جزو آثار انگشت شماری است که به صورت تفصیلی در این باره نوشته شده است. به هر صورت این هیأت اکتشافی هرچند اهداف خاصی را در این اکتشاف مدنظر داشته است، ولی توانسته در شناساندن برخی از ویژگی‌های مربوط به چهارمیانی تاریخی، اجتماعی و انسانی مربوط به مناطق مورد بازدید موفق باشد.

طبیعی و محصولات اطلاعات مفیدی درباره پوشش گیاهی منطقه، ریزش بازان، کشت و زرع، مبادرات غذایی، پوشاش مردم و مهاجرت ارائه شده است.

ج: سفالگری در دوره حشائشین نوشته رالف بیندرولیمسن ، محقق انگلیسی، در این بخش مطالبی درباره سفال های یافت شده از مناطق مورد بازدید، سفالگری ایرانی، سفالگری عهده سلوچ و قیان، سفال های نقش دار، کاشی های فیروزه ای لعابدار

باستان و برخی از مقامات صاحب نفوذ همچون
ابوالفضل آل بویه، دکتر الموقی، دکتر حسین علوی
و منجمله شرکت ملی نفت ایران را می‌توان دید که
حاکمی از اهمیت زیاد کارهای می‌باشد.

در شرح اهداف سفر، یکی از اهداف، کشف و
بازآوردن هرچیز باستانی مربوط به حشائش اعم از
سکه و سفال قید شده است (متن ص ۳۱-۳۰) از
دیگر موارد، توجه به مسایل باستانشناسی و به
دست آوردن طرروف سفالی و دیگر اشیاء قید شده
است (متن ص ۴۸-۴۹). در نهایت در مورد نتایج سفر
هیأت اکتشافی و دست اوردها و کشفیات هیأت،
اطلاعات جامعی داده نشده است. حال آن که در
متن، اشاراتی دال بر کشفیات آثار وجود دارد.
منجمله یافته‌های وسیع در شویله (متن ص ۱۵۲)
یافته‌ها در لوتوسان (متن صفحات ۱۷۶ و ۱۸۲،
۳۵۱-۳۴۸ و ۳۵۲) و تهیه جعبه‌های مخصوص
برای قراردادن اشیاء مکشفقه (ص ۳۵۵ و ۱۸۷
و ۵۰-۴۹) مضاف بر این، در مواردی هیأت
اقدام به خرید اشیاء عتیقه از مردم نیز کرده است
(متن ص ۲۷۱-۲۷۰). وینکه در خانمه سفر، دیبار با
مسئولان موزه داشته و کشفیات خود را به موزه ارائه
داده و سپس آنها را پس گرفته، امری عجیب است
(متن ص ۳۲۵).

ب: نظرات نویسنده درباره محل قلعه
میمون دز:

ویلى مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی را
اساس اثبات نظریه خود قرار داده است. همچون
محیط اطراف قلعه برای سیاه عظیم هولاکو که گویا
حدود صد هزار نفر بوده است، وجود قلعه روی
قله‌ای رفیع و بلند، ساخت برج و بارو از سنگ و گچ،
برج عظیم مرکزی در قلعه، وجود یک چشمۀ در
یک فرسنگی برای اوردن آب به قلعه و سه چشمۀ
دیگر در پیرامون محوطه صخره، وجود یک قله
آتش‌شانی، وجود شهرک کفر در کنار قلعه (منظور
علم کالایه).

متترجم متن با توجه به اظهارات ویلى از شک
و تردید ویلى پس از دیدن قلعه‌های موجود در قلعه
نویز شاه در ارتفاعات گرمرود، قلعه شیرکوه (متن
۲۹۳-۲۹۲)، و قلعه ایلان (متن ۴۰-۴۹) نظرات
ویلى و نیز نظر دکتر ستوده در مورد اینکه محل قلعه
نویز شاه در گرمرود است را قابل تردید می‌داند.
نکته مهم در اینجا برای اثبات مکان قلعه میمون دز
عدم توجه محققان به دو نکته اساسی است.

۱. اولین نکته این که تا وقتی تحقیقاتی علمی
در منطقه صورت نگیرد نمی‌توان به ادعای چنین
نظراتی آن هم به صورت قاطع پرداخت.

۲. نکته دوم اینکه باید به اشارات موجود در
کتاب‌های تاریخی ماقبل و مابعد از فرقه اسماعیلیه
ولو به صورتی جزئی توجه داشت تا بتوان زمینه‌ای
آشکار برای طرح چنین نظراتی را ایجاد کرد.

مشاهده برخی از قلعه‌های مربوط به دوره اسماعیلیه و ارائه اطلاعاتی درباره آنها که برای اولین بار صورت گرفته است، از نظر تاریخی مخصوص و از نظر اینکه طی چهل سالی که از سفر این هیأت می‌گذرد، هیچ گونه مشاهده و تحقیق علمی درباره برخی از مشاهدات این گروه انجام نشده، حائز اهمیت است

ج: اطلاعاتی درباره قلعه میمون دز:
درباره قلعه موسوم به میمون دز می‌توان
اطلاعاتی به شرح زیر ارائه کرد که عمدها از
کتاب‌های معاصر بال اسماعیلیه، و برخی نیز دوره قبل
و بعد از اسماعیلیه نوشته شده‌اند جامع التواریخ
خواجه رسید الدین فضل الله همدانی (مقتول به
سال ۷۸ هجری) و دیگر زبدۃ التواریخ جمال الدین
ابوالقاسم کاشانی (متوفی ۷۳۶ هجری) و تأییف
به سال ۷۰۰ هجری و سومین کتاب مجتمع التواریخ
سلطانیه اثر حافظ ابرو (متوفی ۸۳۴ هجری است)
که هر سه اثر براساس منابع اسماعیلی نوشته
شده‌اند. برخی از این اشارات تاریخی چنین است:
۱. قتل ابوالحسن ریس بیهقی که به مخربه

میمون دز شده بود به دست فدایی دماوندی سال

۴۹۱ هجری.

۲. در هم ربيع الاول سنه عشرين و خمسماهه
میمون دز بغمود ساختن، عهد کیانزگ اميد سال
۵۱ هجری.

۳. دهم ربيع الاول عشرين و خمسماهه عمارت

میمون دز تمام کردن و زجرود سال ۵۱۰ هجری.^۱

۴. الموت و میمون دز از قلاع رودبار که به

خزان و ذخائر مشحون بود.^۲

۵. «و چون در یک روز چندین لشکر بی حد و
مرز بر مدار قلعه مذکور و شهرستان الحاد و فجور به
هم پیوست و آن قلعه‌ای بود که هنگام استیلاه و
استعلاء کار آن طایفه پدرش علاء الدین به حکم آن
که (یا) همان این لی صرحاً لعلی البغ الاسباب
اسباب السموات) بخفات و ارکان اشارت کرده بود تا

مدت دوازده سال قلال و تلال آن جبال را مطالعه
می‌کردند تا آن کوه سرافراز را که با عیوق راز
می‌گفت اختیار کردند و بر قله آن سه چشمۀ آب در
دهان و دو سه دیگر بر کمرگاه داشت قلعه میمون دز
آغاز نهادن و فضیل و دیوارها را به گچ و سنگ
ریخته ساختند و از مواردی آن به مقدار یک فرسنگ
جویی چون جوی ارزیز برکشیدند و آب در اندرون
آورند و در آن موضع از افراط سرما حیوان را از
ابتدای خریف تا میان بهار امکان آرام و مکان مقام
مسیر نه «الخ».

۶. و در ربیع الاول ۴۹۷ هجری میمون دز را
فرمود بنا نهادن، و همچنین همه خرندز در آن
نزدیکی انشاء کردند.^۳

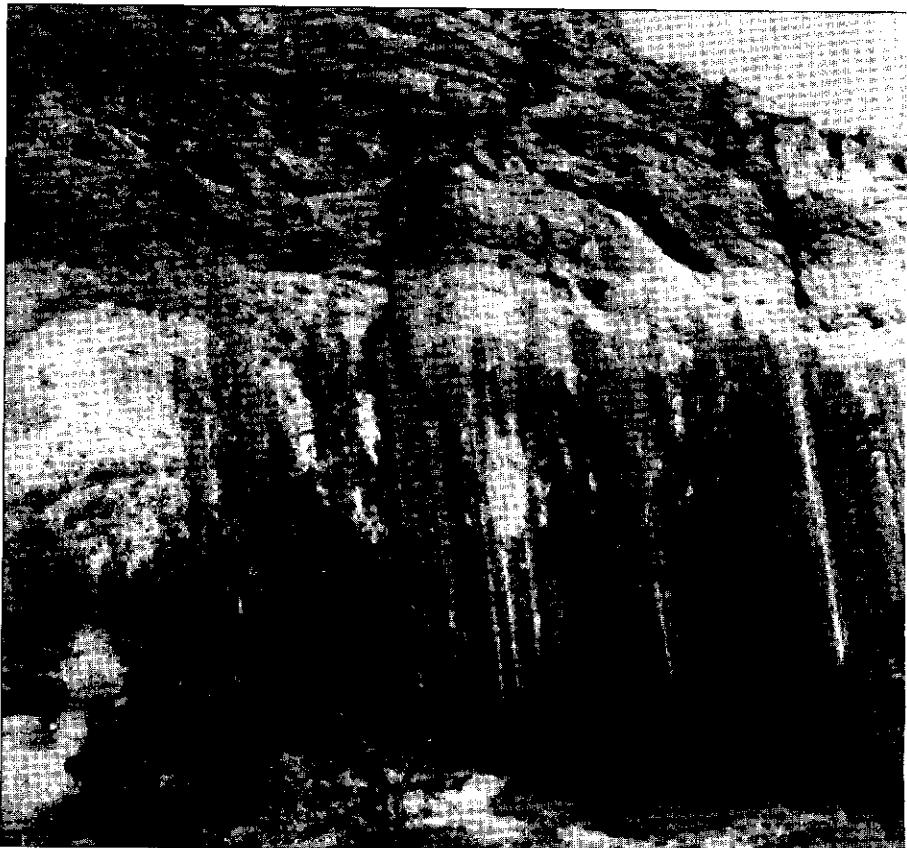
۷. در فتحنامه الموت آمده است «که از جانب
اسپیاندار که یعنی بود بوقاتیمور و از طرف الموت که
یسار بود پادشاه زادگان بلغای و توپار در رسیدند». اگر منظور از اسپیاندار همان منطقه اسپیاندار «مازندران» است که قلعه میمون دز بر اساس این فرض احتمالاً در منطقه‌ای خارج از رودبار الموت بوده است و اگر
ده هنمان سفیدآب را که از دهات رودبار است در نظر
بگیریم، بر این فرض قلعه موجود در اندیج هم
میتواند همان قلعه میمون دز باشد.

براساس اشارات شماره اول تا ششم ساخت
قلعه میمون دز هم به حسن صباح و هم به
کیانزگ امید و هم به علاء الدین جوینی در تاریخ
شده و بر این اساس ادعایی جوینی در چهانگشا (مورد پنجم) بر اینکه ۱۲ سال ساخت
قلعه طول کشیده و بانی آن علاء الدین محمد است
 محل تردید دارد، و فرض صحیح این است که
بپذیریم ساخت قلعه به امر حسن صباح و به دست
کیانزگ امید انجام شده است و بقیه مطالب جوینی
در مورد ساخت قلعه سخن پردازی مخصوص بوده
است.

در مورد ششم از مکان خرندز نام برده شده
است که به یقین همان محل فرنز دیه یا فرنزج
است که در منتهای باریک دره اندخورد قرار دارد و
در سوی باختر آن اطاقی در دیواره کوه در سه متري
از زمین و برابر آن در خاور دره در بالای کوه آثار دز
ویرانی که از سنگ و گچ ساخته شده، قرار دارد.^۴
این قلعه را نیز می‌توان به عنوان قلعه میمون دز
مورد بررسی قرار داد.

نکته بعدی گردیدیج کردن قلعه یا به عبارتی
دیگر محاصره دور تا دور قلعه میمون دز بوده است
که جوینی به آن اشاره می‌کند.^۵ که این امر در مورد
صخره مورد نظر ویلی در شمس کلاهی که محیط
پیرامون آن شاید از یک فرسخ هم بیشتر باشد،
با توجه به سپاه عظیم مغلول و برای محاصره و
کوبیدن آن با ادوات قلعه‌گیری و منجنیق عملی
بوده است. خستاً با توجه به شبیه جلویی صخره
و سیله‌ای با برد زیاد برای کوبیدن قلعه موردنیاز بوده

کتاب «قلاب حشائین»
 نوشته «پیتر ویلی»
 حاصل سه سفر اکتشافی
 ویلی و گروهش،
 طی سال‌های
 ۱۹۵۹-۱۹۶۱ م / ۱۳۴۰-۱۳۴۸ ه. ش.
 به مناطق گیلان، دیلمان،
 اشکور، دره‌الموت و
 روبار است که پایگاه مرکزی
 نهضت اسماعیلیه
 در شمال ایران
 محسوب می‌شده است



نمایی از صخره «میمون دز»

۱۰۷

۲. سفرنامه الموت نوشته خانم فریا استارپ
۱۸۸۴-۱۹۹۳ میلادی) محقق فرانسوی، چاپ
موري ۱۹۳۱.

۳. سفرنامه هاینریش بروگشن سیاح آلمانی
در ۱۸۶۱-۱۸۶۵ میلادی.

۴. خاطرات ژولیوس سزار هاتسه پزشک
آلمانی مقیم ایران.

۵. سازمان حشائیین، مارشال هاجسن
(۱۹۶۸-۱۹۹۲ میلادی).

علاوه بر این برخی مقالات مندرج در
دایرةالمعارف اسلام و مجله انجمن جغرافیایی
سلطنتی انگلیس، دیدار با برخی محققان انگلیسی،
ملاقات با ولادیمیر الکسیویچ ایوانوف (۱۸۸۷-
۱۹۷۰ میلادی)، محقق روسی و گفت و گو با برخی
محققان ایرانی چون دکتر حافظ فرمانفرما بیان و
دکتر منوچهر ستوده (نویسنده کتاب قلاع
اسماعیلیه در رشتہ کوههای البرز)، ابوالفضل آل
بوبیه و فردی تاشناس با نام رمزی کا (متن ص
۳۴۸) و برخی افراد محلى مورداستفاده نویسنده
بوده است. ملاحظاتی در حواشی مترجم:

در برخی موارد متترجم محترم در تطبیق اسامی
مکانها با محل واقعی و مورد بازید ناموفق بوده
منجمله کارمچال^۱ که منظور ده کارنده چال از
دهات رو دیار بوده است که توپیخی درباره آن داده
نشده دیگر روستای قره‌در^۲ است که متترجم آن را
با «ده قره در» از دهات ایلات قافقازی اشتباه گرفته

ساخته^{۱۸} را هم نباید از نظر دور داشت.

دیگر اشاره جوینی به برج مرکزی قلعه "است که ما در صخره موسوم به میمون دژ چنین مکانی را نمی توانیم بیاییم مگر این که قلعه اصلی میمون دژ در قسمت جلویی صخره بوده باشد که فعلاً اثری از آن موجود نیست و قرار گرفتن قلعه بر روی یک قله بلند هم بر این مبنای اساس استه چون این محل یک دیواره سنگی است و تنها در قسمت کوه حک، از پایان آن استحکامات وجود دارد.

در چهانگشای جوینی ضمن شرح جنگ مغول و اسماعیلیه در پای قلعه میمون دز به غلطانیدن خرسنگها از بالای قلعه بر سر مهاجمان آشاده می‌شود که این نیازمند آن بوده که قلعه بر سر کوه بوده باشد و یا اینکه اصل قلعه در قسمت جلویی صخره قرار داشته و مدافعان قلعه از قسمت جلویی قلعه اقدام به چنین کاری می‌کردند و پس از فتح به دست مغولان به طور کامل ویران شده است. به هر صورت نصب منجنيق و پرتاب سنگ منجنيق و یا غلطانیدن خرسنگها از داخل حفره و رویی غارها عمل، غیر معمول، به نظر مم رسد.

۱. مهمترین منبع نویسنده کتاب تاریخ جهانگشای عظامک جوینی است (که خود از همراهان هولاکو در حمله به سرزمین اسماعیلیان در سال ۶۵۴ هجری بوده است)، با ترجمه انگلیسی دکتر بویل.

به هر حال با نگاه به سیر تاریخی این فرقه و حملات سپاهیان دولتی به روبدار و الموت طی قرون پنجم تا هفتم هجری قمری، باید توجه داشت شیوه دفاع و حمله در نزد اسماعیلیه براساس عدم تمرکز در نقطه‌ای معین و پراکنده‌گی در قلعه‌های متعدد بوده است. تنها در منطقه روبدار و الموت بین چهل تا پنجاه قلعه^{۱۷} را در اختیار داشته‌اند و علاوه بر این، وجود غارها و تونل‌های متعدد در پیرامون قلاع و روستاهای این فرسوت را به آنها می‌داده که هنگام حملات احتمالی به یک قلعه خاص به سرعت به کمک محاصره شدگان بستابند و یا اینکه از مهله‌که

نظر ویلی در مورد وجود چشمہ و ساخت قلعه با مصالح سنگ و گچ است، که می‌تواند در مورد برخی قلاع دیگر هم مصدق پیدا کند. به هر حال ساکنان هر قلعه در موقع محاصره و دفاع نیاز به وجود آب‌انبارها و مخازن آب داشته‌اند و در موقع ساخت قلعه هم به این مهم توجه می‌شده است همچون قلعه‌های الموت و لمبیر که در بندۀ داخلی و خارجی خود مکانهایی برای جمع‌آوری و ذخیره آب داشته‌اند و در مورد ساخت هر قلعه نیز باتوجه به وضعیت طبیعی و مصالح موجود، سنگ‌های یکپارچه تراشیده یا به طور منظم و یا با استفاده از سنگ و گچ وغیره ساخته می‌شده است. علاوه بر این، ابتکار اسماعیلیه در ساخت قلعه با مصالح نیش

در زمینه تاریخ شکل‌گیری و تداوم نهضت انقلابی شیعی اسماعیلیه، کتاب‌های زیادی در طول سده گذشته به رشته تحریر درآمده است. ولی در مورد جغرافیای تاریخی این نهضت و مناطق و قلعه‌های آنان در طول ۱۷۰ سال و اندی که بر مسند قدرت بوده‌اند، هیچ‌گونه تحقیق مفصل و مبسوطی

انجام نشده است

۱۰. زیده‌التاریخ، پیشین، ص ۱۵۸.
۱۱. همان، ص ۲۲۷ (اسپیدار) / مجمع التاریخ سلطانی، ۲۷۷ (اسپیدار) / قاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز، ص ۱۲۰ به نقل از نسوانی در سیرت جلال‌الدین متکبری: «وهو امنع ناحية من نواحي مازندران ذات درينات و مضائق» و به نقل از یاقوت در معجم البلدان: «ولاية على بحر ديلم تشتمل على قرى واسعة وأعمال».
۱۲. قیام سلطانه دهقانان الموت، سید ضیا الدین الموتی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۱-۲۰.
۱۳. همان، ص ۲۲۷ (اسپیدار) / مجمع التاریخ سلطانی، ۲۷۷ (اسپیدار) / قاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز، ص ۱۲۰ به نقل از نسوانی در سیرت جلال‌الدین متکبری: «وهو امنع ناحية من نواحي مازندران ذات درينات و مضائق» و به نقل از یاقوت در معجم البلدان: «ولاية على بحر ديلم تشتمل على قرى واسعة وأعمال».
۱۴. قیام سلطانه دهقانان الموت، سید ضیا الدین الموتی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۱-۲۰.
۱۵. تاریخ جهانگشای جوینی، پیشین، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۱۶. تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، به کوشش عبدالحسین نوابی، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۵۷۲.
۱۷. وجود غارها و کنده‌کاری‌های بسیار در کوههای منطقه الموت و بخصوص روبدار، غارهای منطقه شمس کلاهی و بسیاری غارهای دیگر. که بنا بر نقل محلی‌ها در گذشته برخی از قله‌های با تنویل به هم مربوط بوده‌اند، در کتاب نیز، ویلی حکایتی را درباره رفتار اهالی از غار شمس کلاهی به منطقه اندی نقل می‌کند.
۱۸. آثار البلاط و اخبار العباد، زکریا بن محمد قزوینی، ترجمه محممرضا بن عبدالرحمن، تصحیح سید محمد شاهمرادی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳.
۱۹. تاریخ جهانگشای جوینی، پیشین، ص ۱۳۵.
۲۰. قلاع حشائشین، پیشین، ص ۲۹۳.
۲۱. همان، ص ۱۲۱.
۲۲. فرهنگ جغرافیایی قزوینی، انتشارات سازمان جغرافیایی تهران، ۱۳۷۸، جلد ۲، ص ۴۴۷. کارنده چال از دهات دهستان روبدار محمد زمانخانی بخش روبدار، شهرستان قزوین.
۲۳. همان، ص ۳۳۷. غوره در با نام جدید سلیمان آباد از دهات دهستان الموت بالا بخش روبدار الموت شهرستان قزوین.

در زمینه تحقیقات داخلی هم به جز توجه جویندگان گنج و عتیقه طی چهل سال اخیر و قبل از آن توجه خاصی به این منطقه نشده، مگر نوشتن مقالاتی چند در مجلات و روزنامه‌های محلی. باری امید است شروع تحقیقات سازمان میراث فرهنگی در منطقه الموت و بخصوص روبدار بتواند راهگشایی برای شناخت بیشتر این منطقه باشد.

۱. عنوان اصلی کتاب The Castles of Assassins است.
۲. سفری به دیار الموت لوسان و ایلام، تألیف فرباستارک، ترجمه علی محمد ساکی، علمی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۴، ص ۲۲۳-۲۲۹.
۳. لازم به توضیح است که واژه میمون دز (میمون دج) پیش از سفر این هیأت اکتشافی بین اهالی مرسمون بود و با آمدن این هیأت این واژه معمول شده است که بر مجموعه غارهای صخره شمس کلاهی اطلاق می‌شود. البته غارهای شمس کلاهی نزد اهالی هریک نامی خاص خود دارند این مورد نگاه کنید ذیل آقای چنگیز شیخیلو در آخر همین کتاب.
۴. مقدمه ویلی بر کتاب حاضر و نیز فصول سوم و چهارم کتاب.

۵. قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز، نوشته منوچهر ستوده، طهوری، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸-۱۲۳.
۶. همانجا.

۷. زیده‌التاریخ، جمال‌الدین ابوالقاسم کاشانی محاسبه به کوشش محمد تقی دانش بروه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰.
۸. جامع التاریخ (قسمت اسماعیلیان و قاططیان و نزاریان و داعیان و رفیقان)، تالیف رسیدالدین فضل الله همدانی، به کوشش محمد تقی دانش بروه و محمد مدرس (زنگانی)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۳۵.
۹. جامع التاریخ، پیشین، ص ۱۳۸.

۱۰. مجمع التاریخ سلطانیه (قسمت خلفاء علویه مغرب و مصر و نزاریان و رفیقان از تاریخ حافظ ابرو)، حافظ ابرو، به اهتمام محمد مدرس زنجانی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۷۰.
۱۱. تاریخ جهانگشای جوینی، عظامک جوینی، با

و نام صحیح روستا قوره در است از دهات الموت و نه از دهات قاقازان که فاصله مکانی بسیاری با شیر کوه در الموت دارد. دیگر ارتفاع قله علم کوه یا تخت‌سلیمان می‌باشد که حدود ۴۸۵ متر است و لی در متن ۶۴۰۰ تا ۶۴۸۰ متر قید شده (متن ص ۳۴ و ۳۶۸).

نگاهی به عکس‌های کتاب:

عکس‌های ارائه شده در کتاب بسیار کم و شامل ۳۱ عکس می‌شود که نیمی از تصاویر مربوط به قلعه سمیران و بناهای پیرامون آن و خود سفال‌های کشف شده می‌باشد و از یقیه عکس‌ها غارهای شمس کلاهی (میمون دز) ۵ عکس / شویله، پل اشکور، قنات لمبسر، مجموعاً ۲۳ عکس / لوتوسان ۳ عکس / ۵ عکس دیگر هم مربوط به اعصابی هیأت و مردم است و دو عکس هم که در فهرست تصاویر به آنها اشاره رفته مربوط به گروه شیخلی و غارگزنه سوراخ اصولاً در کتاب موجود نیست. به هر حال باتوجه به اینکه گروه اکتشافی مناطق بسیاری را مورد بازدید قرار داده‌اند و علاوه بر عکس‌بازاری، گاهی فیلمبرداری از بعضی مناطق هم صورت گرفته است، جای تصاویر بسیاری همچون قلعه الموت، لمبسر، نویز شاه، شیر کوه شهرک، و شته اندج، ایلان و قلاع اشکور و مناطق باستانی دیلمان و نیز عکس‌های مربوط به مردم دره و نحوه صعود به صخره میمون دز (شمس کلاهی) و محوطه داخلی غارهای مورد بازدید خالی است.

نتیجه:

در خاتمه ضمن توضیح این که با نگاهی کلی به محتوای متن، هرچند کتاب را می‌توان از جنبه‌هایی خاص با ارزش تلقی کرد، ولی با توجه به اینکه نویسنده کتاب نخواسته و یا نتوانسته تمام زوایای سفر اکتشافی گروه پیتر ویلی و نتایج کار هیأت را به طور آشکار بیان کند، همین مساله در کل متن تأثیر گذاشته و علاوه بر آن انگیزه و اهداف کاری هیأت را زیر سوال می‌برد. مضاف بر این که پس از چهل سال هنوز هیچ‌گونه اطلاعات دیگری درباره نتایج کار این هیأت منتشر نشده است.